

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه میزان درآمد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده با جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان؛ با تأکید بر مبانی جامعه‌پذیری اسلامی

حمید بابائی^۱، باقر ساروخانی^۲، مصطفی ازکیا^۳، مجید رادفر^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میزان درآمد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده بر جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان و مؤلفه‌های آن، با تأکید بر مبانی جامعه‌پذیری اسلامی به‌روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه خانواده‌های کودکان دبستانی شهر تهران بود که تعداد ۷۲۶ خانواده با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای برای نمونه پژوهشی انتخاب شدند. اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه دموگرافیک و پرسش‌نامه محقق‌ساخته جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان جمع‌آوری شد که پایایی این پرسش‌نامه به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹۷ محاسبه گردید. داده‌های پژوهش به‌روش تحلیل عامل تأییدی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۴ تحلیل شد. نتایج نشان داد که افزایش میزان درآمد خانواده سبب تضعیف مسئولیت‌پذیری فرزندان شده است و با جامعه‌پذیری شهروندی، منطقی بودن و نقدپذیری فرزندان رابطه معناداری ندارد. همچنین افزایش رضایت‌مندی اقتصادی خانواده موجب تقویت جامعه‌پذیری شهروندی، مسئولیت‌پذیری، منطقی بودن و نقدپذیری فرزندان شد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌پذیری شهروندی، جامعه‌پذیری اسلامی، فرزندان، درآمد، رضایت‌مندی اقتصادی، خانواده.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰
۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Email: hamidb222@gmail.com https://orcid.org/9120-4255-0003-0000

۲. استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: sarokhani@gmail.com

۳. استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: mostafa.azkia@yahoo.com

۴. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: majidradfar20@gmail.com https://orcid.org/2199-8760-0002-0000

* این مقاله حاصل رساله دکتری حمید بابائی می‌باشد. پژوهش حاضر با حمایت‌های معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و اداره کل آموزش و پرورش استان تهران انجام شد.

A Sociological Analysis of the Effect of the Relationship between Income and Family Economical Satisfaction on Children's Citizenship Socialization with an Emphasis on the Fundamentals of Islamic Socialization

Hamid Babaei^۱, Bagher Saroukhani^۲, Mostafa Azkia^۳, Majid Radfar^۴

This correlational research aimed to investigate the effect of the relationship between income and family economical satisfaction on children's citizenship socialization and its components with an emphasis on the fundamentals of Islamic socialization by a non- experimental method. The population included all families of primary school children in the city of Tehran, and ۷۲۶ families were selected by the multistage sampling. The data were gathered by a demographic questionnaire and a researcher- made questionnaire of children's citizenship socialization with the Cronbach's Alpha of ۰.۸۹۷. The data were analyzed by the confirmatory factor analysis, Pearson correlation coefficient, and multivariate regression using SPSS- ۲۴ software. The results showed that the increment of family income causes to lower children's responsibility and it does not have a meaningful relationship with children's citizenship socialization, logicity, and acceptability of given criticisms. In addition, the increment of family economical satisfaction causes to improve children's citizenship socialization, responsibility, logicity, and acceptability of given criticisms.

Keywords: citizenship socialization, Islamic socialization, children, income, economical satisfaction, family.

Paper Type: Research

Data Received: ۲۲/۱۱/۲۰۲۰ **Data Revised:** ۳/۱۲/۲۰۲۱ **Data Accepted:** ۱۱/۱۲/۲۰۲۱

۱. Ph.D. Student in Cultural Sociology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
Email: hamidb۲۲۲@gmail.com

۲. Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) Email: saroukhani@gmail.com

۳. Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: mostafa_azkia@yahoo.com

۴. Associate Professor of Sociology, Faculty of Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University, Rudehen Branch, Tehran, Iran. Email: majidradfar۲۰@gmail.com

۱. مقدمه

جامعه‌پذیری شهروندی فرایندی است که هدف آن پرورش انسان صالح یا شهروند الگوست و نقش مهمی در سرنوشت خانواده و جامعه دارد. این مفهوم به جنبه مثبت جامعه‌پذیری اشاره دارد و سطح رفاه، پیشرفت و توسعه پایدار در هر شهر یا کشور، مبتنی بر وجود انسان‌های مسئولیت‌پذیر (جوآنمرد، کشمیری و جوآنمرد، ۱۳۹۷؛ إکانم^۱، ۲۰۱۴) منطقی و نقدپذیر است که از مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه‌پذیری شهروندی است. به همان میزان که جامعه‌پذیری شهروندی مهم است عوامل تأثیرگذار بر آن مانند درآمد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده نیز اهمیت دارد.

از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جامعه امروزی، اعتیاد، اختلاف، وضعیت کار مفید و طلاق است که نه تنها باعث بروز مشکلات زیادی در خانواده‌ها شده و آرامش آنها را مختل کرده است بلکه سرنوشت کشورها را با مخاطره مواجه نموده است. دو راه اساسی حل این مشکلات عبارتند از: برخورد با معلول برای مثال ترک اعتیاد معطادان؛ و تربیت فرزندان به گونه‌ای که نه فقط دچار آسیب‌های فوق نشوند، بلکه افرادی موفق و تأثیرگذار در جامعه باشند. بخش اصلی شخصیت انسان در دوران کودکی، ساخته می‌شود و والدین نیز رکن اصلی اجتماعی شدن کودکان هستند (ساروخانی، ۱۳۹۳). بنابراین، بهترین زمان برای درونی‌کردن ویژگی‌های شهروندالگو و برآوردن این نیاز در حوزه اجتماعی و همچنین ارتقای فرهنگ شهرنشینی، دوران کودکی است و اثرگذارترین افراد در این زمینه والدین می‌باشند. جامعه‌پذیری شهروندی^۲ از دو واژه جامعه‌پذیری و شهروندی تشکیل شده است و واژه شهروندی صفت جامعه‌پذیری است و به نوعی از جامعه‌پذیری اشاره دارد که فرآیند اجتماعی شدن را برای نهادینه کردن ویژگی‌های انسان صالح یا شهروندالگو، تسهیل می‌نماید. درباره مفهوم جامعه‌پذیری شهروندی پژوهش یا ادبیاتی یافت نشد، ازاین‌رو برای روشن شدن موضوع پژوهش این دو واژه به طور جداگانه بررسی شده است. جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن^۳ از نظر لغوی به معنای انطباق با جامعه و آشناسازی با

1. Ekanem, S. A.
2. citizen sociability
3. sociability or socialization



آن است (حق شناس، سامعی و انتخابی، ۱۳۹۸). جامعه‌پذیری به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، افراد ویژگی‌هایی کسب می‌کنند که به واسطه آن، شایسته عضویت در آن جامعه می‌شوند (ارکیا، ساروخانی و احمدپور، ۱۳۹۷؛ اسکروتون^۱، ۲۰۰۷). می‌توان گفت که جامعه‌پذیری، فرایندی است که انسان غیراجتماعی را به انسان اجتماعی تبدیل می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است (گارسیا و تگلارز، ۲۰۱۹^۲) که فرد را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی آماده می‌کند. جامعه‌پذیری از این نظر که فرد را قادر می‌سازد جامعه خود را درک و به راحتی در آن زندگی نماید، امری مثبت است، اما از این نظر که با ویژگی‌های منفی و مثبت فرهنگی جامعه خود هم‌نوا می‌شود، موضوعی خنثی می‌باشد. شهروندی^۳ به طور سنتی به روابط شخص با یک دولت - ملت اشاره دارد، اما شهروندی نوین به بیش از مجموعه قوانینی اشاره دارد که حقوق و وظایف شخص را در رابطه با یک دولت - ملت تعریف می‌کند.

شهروندی فعال در پی توانمندسازی افراد و اجتماعات است و فرایند مشارکت را امری ذاتاً ارزشمند می‌داند. از این رو، چیزی بیش از افزایش صرف مشارکت عمومی است. این نوع از شهروندی، خواهان مشارکت هدفمند است، به گونه‌ای که شهروندان برای تبدیل کردن اجتماع و محل زندگی‌شان به مکانی بهتر مشارکت فعال داشته باشند (غفاری نسب، ۱۳۹۱). بنابراین لازم است شهروند، حائز توانمندی‌ها و ویژگی‌هایی باشد که بتواند به بهتر زیستن و آرامش و رفاه جامعه خود کمک نماید. جامعه‌پذیری شهروندی، نوع مثبت جامعه‌پذیری است؛ اریکا کلری ضمن اشاره به جامعه‌پذیری منفی و مثبت معتقد است که جامعه‌پذیری خانواده و مدرسه، زمانی مثبت تلقی می‌شود که برای فرد نقش الگویی داشته و تنبیه و تشویق مناسب در شیوه تربیتی و رابطه عاطفی قوی با فرد داشته باشند. همچنین رابطه منطقی همراه با ارائه برهان و دلیل برای آموزش‌های خود به فرد اتخاذ نمایند. دورکیم نیز از خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد مهم در درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارهایی یاد نموده است که خود، حامل آن هستند و این هنجارها با شیوه جامعه‌پذیری از نوع مثبت یا از

1. Scruton, R.

2. García, M., & Tegelaars, M.

3. citizenship

نوع منفی به فرد ارائه می‌شوند (قربانی و جمعه‌نیا، ۱۳۹۷). بنابراین، جامعه‌پذیری مثبت از دیدگاه اریکا کلری که همراه با آموزش، تربیت و درونی‌کردن ارزش‌هاست، همان جامعه‌پذیری شهروندی از دیدگاه نگارنده است. به نظر می‌رسد به کار بردن واژه جامعه‌پذیری شهروندی تولید یک مفهوم یا ادبیات جدید است.

درباره موضوع جامعه‌پذیری، شهروندی و ابعاد گوناگون آن پژوهش‌های علمی بسیاری انجام شده است (ر.ک.، میرزا، ۲۰۱۹؛ کندی، ۲۰۱۹؛ گورن و یمینی، ۲۰۱۷^۳؛ فتحی، ۱۳۹۵؛ انچیکوا، و همکاران، ۲۰۲۱^۴؛ بلمی، ۲۰۱۵^۵). نتایج پژوهش سعادت‌ی و عباسی (۱۳۹۵) نشان داده است که بین میزان درآمد ماهیانه خانواده دانشجویان و جامعه‌پذیری آنها، رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش دسترنج (۱۳۹۲) شد نشان می‌دهد که بین میزان درآمد خانواده و جامعه‌پذیری فرزندان، رابطه‌ای مثبت وجود دارد. پژوهش قربانی و جمعه‌نیا (۱۳۹۷) نشان دهنده همبستگی مثبت و معنی‌داری بین خانواده و جامعه‌پذیری است. همچنین نتایج پژوهش سلیمانی و رضایور (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که هر قدر قوانین و مقررات اجتماعی از ابتدای کودکی توسط خانواده در فرزندان نهادینه و با آموزه‌های اخلاقی دین مبین اسلام آراسته شود، جامعه‌پذیری فرزندان بهتر صورت می‌پذیرد. ساروخانی و نادری (۱۳۹۶) نیز نشان دادند که بین درآمد زنان و سازگاری اجتماعی فرزندان، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. بانوسینوا^۶ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که بین فقر و اختلال در عملکرد خانواده، ارتباط وجود دارد.

مسئولیت‌پذیری^۷ یک الزام و تعهد درونی است که فرد در قبال خود، اطرافیان و جامعه بر عهده دارد؛ چه به شکل رسمی و قانونی برعهده او گذاشته شده باشد و یا عقل، منطق و عاطفه به انجام آن حکم نماید (مک کورمیک و شیلیفر، ۲۰۲۰^۸) و مفهومی قابل سنجش است (مکا، ۲۰۱۲^۹). یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که دوره سنی کودکان پیش دبستانی و دبستانی در

1. Myers, J.
2. Kennedy, K. J.
3. Goren, H., & Yemini, M.
4. Enchikova, E., & et al
5. Bellamy, R.
6. Banovcinova, A.
7. Responsibility
8. McCormick, M., & Schleifer, M.
9. Meca, A.

شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری که یک ویژگی شخصیتی است، تعیین‌کننده و تأثیرگذار است (دمنیتی و گروگولوا،^۱ ۲۰۱۶). لازمه پیشرفت یک کشور تکیه بر منابع انسانی کارآمد و سنجش دائمی رشد یا کاهش آن در بین افراد جامعه، به ویژه در میان کودکان و نوجوانان که آینده‌سازان کشور هستند، می‌باشد. نتایج پژوهش دودمان (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری آنها اثربخش است و از میان سه شیوه فرزندپروری، شیوه اقتدار منطقی والدین، تأثیر مثبت بیشتری بر مسئولیت‌پذیری فرزندان دارد و در مقابل، شیوه استبدادی تأثیر منفی بر میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان می‌گذارد. دمنیتی و گراگولوا (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که دوره‌های پیش دبستانی و دبستانی نسبت به شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری حساس است. ساچ و واکر^۲ (۲۰۰۴) نیز از طریق مصاحبه‌های عمیق نشان دادند که کودکان، برخی مسئولیت‌ها را در خانه به عهده می‌گیرند که آن را بخشی اجتناب‌ناپذیر و عادی زندگی روزمره می‌دانند و مسئولیت‌پذیری را بخش اساسی دنیای اخلاقی خود قلمداد می‌کنند. این درک اخلاقی قابل‌پذیرش از زندگی روزمره، باعث می‌شود که گفتگو بین والدین و کودکان در خانه جریان داشته باشد.

منطقی بودن^۳ به معنای رعایت قواعد منطق یا همان درست اندیشیدن است. این ویژگی ذهن آدمی برای واکنش‌های منطقی در زندگی به کار می‌رود و نیازی نیست به کسی که ابزار تشخیص را از کودکی کسب کرده، مدام تذکر داده شود چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است. بنابراین، یکی از اصلی‌ترین وظایف والدین بسترسازی برای اندیشه و رفتار منطقی کودکان است. پژوهشی که تأثیر درآمد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده را بر منطقی بودن فرزندان سنجیده باشد، یافت نشد، اما پژوهش کوپر و استیوارت^۴ (۲۰۲۱) نشان داده است که درآمد خانوار تأثیر مثبتی بر پیامدهای کودکان از جمله رشد شناختی، رشد رفتاری - اجتماعی و سلامت آنها دارد. شواهد فراوانی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد کودکان در خانواده‌های کم‌درآمد نسبت به همسالان خود در طیفی از پیامدهای رشدی، عملکرد کمتری دارند. یافته‌های میرز (۲۰۱۹) نیز نشان می‌دهد که درآمد به صورت مستقیم

1. Dementiy, L. I., & Grogoleva, O. Y.
2. Such, E., & Walker, R.
3. Reasonability
4. Cooper, K., & Stewart, K.

و غیرمستقیم نقش قابل توجه و پیچیده‌ای در بهزیستی ذهنی کودک دارد و یکی از فاکتورهای مهم پیش‌بینی‌کننده بهزیستی ذهنی آنان است.

نقدپذیری^۱، ویژگی انسانی است که به نقدها و انتقاداتی که به او می‌شود، توجه می‌کند و آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد و نیز تلاش می‌کند در صورتی که اشتباهی رخ داده و یا راه بهتری وجود دارد، رفتار، گفتار و پندار خود را اصلاح نماید. نقد و انتقاد به معنی جدا نمودن دینار و درهم، سره از ناسره، جدا کردن کاه از گندم، به‌گزینی، خرده‌گیری و آشکارکردن زیبایی‌ها و کاستی‌هایی که در یک اثر به‌کار رفته، می‌باشد. نقدِ سخن یعنی، اظهارکردن عیب‌ها و محاسن آن. (معلوف، ۱۳۹۵/۱ -) خانواده پایه بنیادین اجتماع و سلول سازنده زندگی انسان و کانون اصلی حفظ سنت‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است (کفاشی، ۱۳۸۸) و نخستین مکان و ماوایی است که کودک پای در آن می‌گذارد و اولین پنجره‌ای است که کودک از آن با عینکی که خانواده به او می‌دهد، به جهان بیرون می‌نگرد؛ این عینک همان فرهنگ یا جامعه‌پذیری است. به عقیده اریکسون، والدین در دوره کودکی فرزندشان با سلوک و رفتار خویش، به‌طور منظم و ناخودآگاه قواعد بنیانی الگوهای فرهنگی خود را در نظام عصبی کودک جای می‌دهند (ساروخانی، ۱۳۹۳). خانواده مهم‌ترین نهادی است که در ساختن و پرداختن تصور کودک و پی‌ریزی ویژگی‌های فردی و اجتماعی او تأثیر اساسی دارد (اسکو و علی بابایی، ۱۳۹۱). بنابراین، خانواده در طول تاریخ بشر نخستین نهاد برای اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان بوده و تنها گروهی است که کودک با آن تماس مستمر دارد. براین اساس، خانواده در شکل‌گیری دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و باورداشت‌های کودک، نقش اساسی ایفا می‌نماید و بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر دارد، تأثیر می‌گذارد (کوئن، ۱۳۹۹).

تأثیر متغیرهای درآمد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده بر روی جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان در خانواده‌های کودکان دبستانی شهر تهران در هیچ‌یک از پژوهش‌های داخل و خارج از ایران مشاهده نشده است. ازاین‌رو، به نظر می‌رسد پژوهش حاضر مطالعه‌ای پیشگام در این حوزه است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

ماکس وبر براساس نظریه کنش اجتماعی^۱ معتقد بود که جامعه‌شناسی، علم فراگیر کنش اجتماعی است و مهمترین تأکید تحلیلی او بر کنشگران فردی بود. وبر از این منظر متمایز از پیشینیان خود است؛ زیرا تحلیل جامعه‌شناختی آنها بیشتر مبتنی بر صورت‌های ساختاری- اجتماعی بود. وبر به آن دسته از معانی ذهنی که انسان‌های کنشگر را به کنش‌هایشان نسبت می‌دهند، توجه داشت. وی معتقد بود رفتارهایی که از معانی ذهنی کنشگر، بویی نبرده باشند از پهنه جامعه‌شناسی خارج است. (ر.ک.، کوزر، ۱۳۹۳) او کنش را از رفتار واکنشی صرف، متمایز ساخت؛ رفتار واکنشی یعنی، عمل غیرارادی که با کمترین دخالت بین محرک و پاسخ صورت می‌پذیرد. در حقیقت، کنشی مورد توجه وبر است که غیر ارادی نبوده و آشکارا متضمن دخالت فرایندهای تفکر بین وقوع محرک و پاسخ‌نهایی باشد. به عبارت دیگر کنش هنگامی رخ می‌دهد که فرد معنایی ذهنی برای آن قائل است (ریتزر، ۱۳۹۵). ماکس وبر به چهار نوع کنش اشاره می‌کند که عبارتند از کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به هدف و کنش عقلانی معطوف به ارزش (فرونند، ۱۳۸۳).

چارلز هورتن کولی^۲ در نظریه «خود آیین‌سان»^۳ معتقد است که خود و جامعه دو پدیده هم‌زادند. موضوع بیشتر نوشته‌های او تأکید بر پیوند ارگانیک و گسست‌ناپذیر خود و جامعه است (کوزر، ۱۳۹۳). در نظریه فوق، کولی معتقد است همانگونه که ما خود را در آیین می‌بینیم و پی به زیبایی و زشتی ظاهر خود می‌بریم، زشتی و زیبایی رفتارمان و گفتارمان را هم در آیین و کنش دیگران مشاهده می‌نماییم. اینکه کی، چی و چگونه هستیم، زمانی برای ما روشن می‌شود که در معرض کنش متقابل با دیگران باشیم و انعکاس رفتار خودمان را از برخورد و واکنش دیگران به دست آوریم. استدلال کولی این است که رشد شخص از رهگذر تبادل او با دیگران حاصل می‌شود و خاستگاه اجتماعی زندگی یک شخص از رهگذر نشست و برخاست او با اشخاص دیگر پدید می‌آید (کوزر، ۱۳۹۳). کولی معتقد بود که مفهوم خود ابتدا در دوران کودکی شکل می‌گیرد و سپس در طول زندگی، هر زمان که شخص

1. Social Action Theory
2. Charles Horton Cooley
3. Looking Glass Self

وارد موقعیت اجتماعی جدیدی می‌گردد، دوباره ارزیابی می‌شود (ستوده، ۱۳۹۹). مفهوم خود آیین‌های از سه عنصر اصلی ساخته می‌شود (کوزر، ۱۳۹۳): ظاهر ما به چشم دیگری چگونه می‌نماید (تفسیر سیمای ظاهری ما)، داوری آنان درباره ظاهر ما چیست؟ (تفسیر واکنش دیگران) و چه احساسی از خود برای ما پدید می‌آید؟ غرور یا سرشکستگی (رشد مفهوم خود). از نظر وبر خود در فرایند اجتماعی مبتنی بر مبادله ارتباطی پدید می‌آید و در آگاهی شخص منعکس می‌شود.

براساس مبانی جامعه‌پذیری اسلامی، آیات و روایات بسیاری وجود دارد که بر تأثیر خانواده، دوستان، اطرافیان و جامعه بر باورها، عقاید و ساختار ذهنی که مبنای تفکر و عملکرد انسان است، صحه می‌گذارد. چنانچه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «آدمی به دین دوست و یار خود است (حرعاملی، ۱۳۹۵، ۴/ -). قرآن کریم نیز اشاره دارد به اینکه وقتی روز قیامت خطاکاران و گناهکاران را مورد سؤال قرار می‌دهند، آنان شرایط محیطی و سرزمینی خود (فضای کنش) را علت گمراهی خود عنوان می‌کنند. فرشته‌ها پاسخ می‌دهند: آیا سرزمین خدا پهناور نبود که در آن هجرت کنید (ر.ک.، نساء: ۹۷). از این آیه استنباط می‌شود که خداوند تبارک و تعالی به بندگان خود توصیه می‌کند که اگر در جامعه، بستر رشد، تعالی و ارتقای معرفت و آگاهی شما فراهم نیست و شما را به گناه و انجام اعمال ناصواب سوق می‌دهد، از آنجا به جایی که شرایط فراهم است، مهاجرت نمایید. ضمن این که خداوند از انسان نمی‌پذیرد که به دلیل شرایط اجتماعی دچار انحراف شود و به نوعی بر تفکر بین وقوع محرک و پاسخ نهایی (باز اندیشی) و اتخاذ تصمیم درست و منطقی با استفاده از معیارهای اسلامی مبتنی بر فلاح و رستگاری تأکید می‌نماید، اما بستر جامعه را برای نیل به درجات بالای ایمانی، شکل‌گیری ساختار ذهنی و دستیابی به کمال انسانی، تسهیل گر می‌داند. بدین منظور به انتخاب همنشین صالح و عالم و در موارد ضروری، مهاجرت به مکان‌هایی که فضای کنش مناسب‌تری دارند، توصیه می‌نماید. حضرت علی علیه السلام نیز تفکر را منشأ عمل انسان می‌داند و می‌فرماید: «اندیشه و تفکر، انسان را به سوی نیکی و عمل صالح دعوت می‌نماید» (کلینی رازی، ۱۳۹۲، ۴/ -). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «یک ساعت اندیشیدن (در خیر و صلاح) از هزار سال عبادت بهتر است» (مجلسی، ۱۳۷۵، ۷۱/ -). البته نوع و موضوع تفکر و

اینکه آن فکر در چه موردی باشد، در ارزشگذاری آن، نقش اساسی دارد (مطهری، ۱۳۸۹، ۲۴-).
 ازاین‌رو، اسلام در آیات و روایات متعددی به تفکر، تدبیر، بصیرت، عمل صالح و همنشینی و مشاوره با انسان‌های دارای علم، معرفت و اخلاق تأکید می‌کند (ر.ک.، عصر: ۱-۹).

همانگونه که وبر تأکید دارد، کنش کنشگران اجتماعی، برگرفته از معانی ذهنی آنان است و واکنش ایشان بدون تفکر و مراجعه به معانی شکل گرفته ذهنی ایشان، صورت نمی‌پذیرد. براین اساس، کنش و واکنش افراد بر مبنای الگوهای ذهنی و فکری صورت می‌پذیرد که در کنش متقابل اجتماعی ساخته و پرداخته شده است؛ چه این کنش متقابل در خانه و خانواده باشد یا در مدرسه و جامعه که به آن جامعه‌پذیری گفته می‌شود. وبر بر فرایند تفکر بین وقوع محرک و پاسخ نهایی نیز تأکید دارد، بدین معنا که کنش کنشگران، جدای از ساختار فکری و ذهنی آنان نیست. بنابراین، اگر در فرایند جامعه‌پذیری شهروندی مهارت‌های اجتماعی لازم در زمینه منطقی بودن، نقدپذیری، مسئولیت‌پذیری و فکر کردن، به‌ویژه در کودکی و نوجوانی در ذهن کودک نهادینه شود، می‌توان انتظار داشت که هم عمل درست برای او ملکه شود و به انجام آن مبادرت ورزد و هم هرگاه لازم باشد هنگام تفکر بین وقوع محرک و پاسخ نهایی، تصمیم درست و منطقی اتخاذ نموده و بدان عمل نماید. از نظر کولی نیز تصور افراد درباره یکدیگر، واقعیات اجتماعی را شکل می‌دهد و این واقعیات، فرد را قادر می‌سازد تا تصور خود را رشد دهد. این تصورات در حال رشد، منشاء عمل اجتماعی شخص می‌شود. شکل‌گیری این تصورات ذهنی از دوران طفولیت در خانواده آغاز می‌شود و در مقاطع مختلف زندگی در معرض ارزیابی و تکامل است. بنابراین، بنیادهای اجتماعی شدن انسان در خانواده پایه‌ریزی می‌شود و توسط نهادهای اجتماعی مثل مدرسه، رسانه‌های جمعی و همسالان، دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. از دیدگاه اسلام نیز کمال و سعادت انسان، نتیجه عمل اوست و عمل نیز محصول اراده است و تا آگاهی و شناخت در مورد چیزی حاصل نشود، کشش و میلی اتفاق نمی‌افتد و اراده‌ای شکل نمی‌گیرد تا تبدیل به عمل شود. این معرفت، آگاهی و ایمان در سایه تفکر و تدبُّر و کنش متقابل اجتماعی با انسان‌های نیکو و صالح و بازاندیشی هنگام واکنش‌های اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود.

در پژوهش حاضر جامعه‌پذیری شهروندی متغیر وابسته، دارای سه مؤلفه مسئولیت‌پذیری، منطقی بودن و نقدپذیری فرزندان است که حاصل جامعه‌پذیری در خانواده و نوع تفکری است که در آن شکل یافته است. درباره متغیر مستقل نیز لازم به ذکر است که در خانواده عوامل متعددی وجود دارد که بر جامعه‌پذیری فرزندان تأثیر می‌گذارد؛ همچون مهارت‌های فرزندپروری، نقش الگویی، همسازی و تحصیلات والدین، درآمد خانواده و میزان رضایت‌مندی اقتصادی خانواده.

در پژوهش حاضر دو متغیر مرتبط با اقتصاد خانواده (میزان درآمد خانواده و میزان رضایت‌مندی اقتصادی خانواده) بررسی شده است. درآمد بالای خانواده می‌تواند هم تأثیر مثبت بر جامعه‌پذیری داشته باشد؛ بگونه‌ای که بخشی از درآمد در خدمت دانش‌افزایی والدین به‌منظور جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان و ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی آنان قرار گیرد و هم می‌تواند تأثیر منفی داشته و صرف رفاه‌زدگی و راحت‌طلبی کودکان شده و بدین ترتیب باعث تضعیف جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان شود. دستورات اسلامی نیز بر مدیریت مصرف تأکیدهای فراوانی نموده‌اند (خاکپور، ۱۳۹۱) و بر استفاده صحیح از منابع مالی و نعمت‌های پرودگار نیز تأکید شده است به‌گونه‌ای که منجر به عمل صالح گردد. در پژوهش حاضر رابطه میزان درآمد خانواده با جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان و مؤلفه‌های آن که در حقیقت، همان تعلیم و تربیت مورد تأکید اسلام در بستر زندگی و تعاملات اجتماعی است، بررسی شده است. دومین متغیر مستقل که در این پژوهش بررسی شد، رضایت‌مندی اقتصادی خانواده است که می‌تواند سهم بسزایی در آرامش خانواده داشته باشد. این آرامش نیز می‌تواند زمینه رشد جامعه‌پذیری شهروندی و به تبع آن، مسئولیت‌پذیری، منطقی بودن و نقدپذیری را مهیا نماید. اسلام نیز در عین حال که انسان را به تلاش، کوشش و کسب روزی حلال برای تأمین زندگی و آماده کردن بهترین شرایط آموزش و پرورش فرزندان تشویق می‌نماید و آن را جهاد در راه خدا می‌داند و او را از تنبلی و بیکاری بر حذر می‌دارد (ر.ک.، بقره: ۴۵؛ این بابویه، ۱۳۹۶، ۴/ -؛ پسندیده، ۱۳۹۸)؛ چراکه این دستورات می‌تواند موجبات آرامش روحی و فکری خانواده و فرد گردد و زمینه را برای تربیت صحیح و نیکو فراهم آورد. بنابراین، این مسئله که رضایت‌مندی اقتصادی خانواده چه تأثیری بر

جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان و مؤلفه‌های آن دارد نیز در پژوهش حاضر بررسی و به این سؤالات که درآمد خانواده چه تأثیری بر جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان و مؤلفه‌های آن دارد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده چه تأثیری بر جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان و مؤلفه‌های آن دارد، پاسخ داده شد.

۳. شیوه اجرای پژوهش

۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میزان درآمد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده با جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان در سال ۱۳۹۹ به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. داده‌های پژوهش به روش تحلیل عامل تأییدی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۴ تحلیل گردید.

۳-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل خانواده‌های کودکان دبستانی شهر تهران در سال ۱۳۹۹ به تعداد ۵۹۸۰۶۷ بود که تعداد ۳۸۵ خانواده طبق جدول کوکران برای نمونه انتخاب شد. به منظور دستیابی به داده‌هایی با خطای کمتر، تعداد ۸۰۰ پرسش‌نامه در میان خانواده‌هایی که با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند، توزیع گردید. با توجه به ریزش در بازگشت پرسش‌نامه‌ها، ۷۲۶ خانواده در نمونه نهایی مورد مطالعه قرار گرفتند. برای دستیابی به نمونه‌ها شهر تهران به ۹ خوشه تقسیم شد؛ بگونه‌ای که تمام مناطق جغرافیایی شهر به نسبت مساوی تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش قرار گرفت. از هر خوشه یک منطقه (و از خوشه‌های ۷ و ۱ به دلیل بیشتر بودن تعداد دانش‌آموز ابتدایی آنها دو منطقه) به روش تصادفی انتخاب شد. سپس هر منطقه به دو بخش تقسیم گردید و از هر بخش، یک مدرسه دخترانه دولتی و یک مدرسه پسرانه دولتی و یک مدرسه غیردولتی به روش تصادفی انتخاب شد و پرسش‌نامه‌ها براساس سرانه تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر در مدارس دولتی و غیردولتی در هر خوشه به صورت تصادفی میان دانش‌آموزان توزیع شد و به منظور کاهش خطا در تکمیل پرسش‌نامه‌ها جلساتی با مدیران ۶۶ مدرسه در ۱۱

منطقه برگزار گردید. برای جلوگیری از سوگیری در تکمیل پرسش نامه ها و تقویت اعتدال در داده ها، در نیمی از پرسش نامه ها از والدین خواسته شد اطلاعات را درباره خانواده خود و در نیمی دیگر درباره یک خانواده دیگر که به طور کامل می شناسند، تکمیل نمایند. همچنین نیمی از پرسش نامه ها توسط مادران و نیمی دیگر توسط پدران تکمیل شد. تعداد دانش آموزان پسر در این پژوهش ۳۴۵ نفر و دانش آموزان دختر ۳۸۱ نفر ۷ تا ۱۳ سال با میانگین سنی ۱۰/۸ و انحراف معیار ۲/۹۴ بود. این پژوهش در میان خانواده هایی انجام شد که فرزندان به همراه پدر و مادر زندگی می کردند. تعداد مادرانی که پرسش نامه را تکمیل نمودند ۳۸۱ نفر و تعداد پدران ۳۴۵ نفر بود.

جدول ۱

شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی سن آزمودنی ها

متغیر	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	واریانس	دامنه تغییرات	کمینه	بیشینه
سن پاسخگویان (مادر و پدر)	۴۰/۷۶	۴۰	۶/۰۷۴	۳۶/۸۹۰	۴۰	۲۵	۶۵
سن مادران	۳۸/۳۸	۳۸	۵/۳۹۸	۲۹/۱۴۰	۴۲	۲۴	۶۶
سن پدران	۴۳/۲۴	۴۲	۶/۰۳۵	۳۶/۴۱۸	۳۹	۲۸	۶۷
سن فرزندان دختر	۱۰/۷۷	۱۱	۱/۵۱۶	۲/۳	۶	۷	۱۳
سن فرزندان پسر	۱۰/۵۵	۱۱	۱/۷۳۴	۳/۰۰۶	۷	۶	۱۳

۳-۳. ابزار پژوهش

۳-۳-۱. پرسش نامه جامعه پذیری شهروندی فرزندان

برای سنجش میزان جامعه پذیری شهروندی فرزندان از دید والدین از پرسش نامه های محقق ساخته استفاده شد. پرسش نامه جامعه پذیری شهروندی فرزندان شامل پانزده گویه در طیف پنج درجه ای لیکرت با سه زیر مقیاس است که عبارتند از: مسئولیت پذیری، منطقی بودن و نقدپذیری. به منظور بررسی مطلوبیت پرسش نامه ابتدا به صورت آزمایشی بر روی ۲۰ خانواده اجرا و اصلاحات لازم بر روی گویه ها صورت گرفت. سپس روایی صوری پرسش نامه با استفاده از نظر اساتید و متخصصان این حوزه و پایایی پرسش نامه پس از اجرا بر روی ۵۰ خانواده که دارای کودک دبستانی بودند با استفاده از آلفای کرونباخ سنجیده شد. همچنین به منظور اطمینان بیشتر از روایی پرسش نامه از تحلیل عامل تأییدی نیز

استفاده شد. نتایج نشان داد که گویه‌های مربوط به هر یک از زیر مقیاس‌ها از همبستگی و تجانس درونی خوبی برخوردار است. آلفای کرونباخ داده‌های هر مقیاس نیز نشان از پایایی پرسش‌نامه داشت. تحلیل عامل تأییدی داده‌های پژوهش اصلی که بر روی ۷۲۶ خانواده اجرا شد از ۰/۴۷۰ تا ۰/۷۷۲ بود که نشان دهنده انطباق و هم‌نوایی بین سازه‌های نظری و تجربی پرسش‌نامه و همبستگی و تجانس درونی آن بود.

- مقیاس مسئولیت‌پذیری فرزندان شامل ۷ گویه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت بود. تحلیل عامل تأییدی نشان داد که بار عاملی گویه‌ها از ۰/۵۶۹ تا ۰/۷۵۶ می‌باشد که حاکی از وجود همبستگی و تجانس درونی گویه‌هاست.

- مقیاس منطقی بودن فرزندان، شامل ۴ گویه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت بود. تحلیل عامل تأییدی نشان داد که بار عاملی گویه‌ها از ۰/۷۰۲ تا ۰/۸۶۳ می‌باشد که حاکی از وجود همبستگی و تجانس درونی گویه‌هاست.

- مقیاس نقدپذیری فرزندان شامل ۴ گویه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت بود. تحلیل عامل تأییدی نشان داد که بار عاملی گویه‌ها از ۰/۷۲۵ تا ۰/۸۲۸ می‌باشد که حاکی از وجود همبستگی و تجانس درونی گویه‌هاست.

پایایی پرسش‌نامه‌ها به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس یعنی جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان ۰/۸۹۷ و ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری فرزندان ۰/۸۲۴، منطقی بودن فرزندان ۰/۷۸۷ و نقدپذیری فرزندان ۰/۷۷۹ بود که نشان دهنده پایایی مناسب پرسش‌نامه است.

۳-۲. پرسش‌نامه دموگرافیک

این پرسش‌نامه به منظور سنجش میزان درآمد و رضایت مندی اقتصادی خانواده‌های شرکت‌کننده در پژوهش ساخته شد. درآمد خانواده با یک پرسش که میزان درآمد را در طیف پنج درجه‌ای مشخص نمود، سنجش شد. برای سنجش رضایت مندی اقتصادی خانواده، والدین به یک سؤال پاسخ داده و میزان رضایت خود از وضعیت اقتصادی خانواده را در طیف ۵ درجه‌ای نشان دادند.

مقیاس اصلی	گویه‌ها	بار عاملی	زیر مقیاس	نوع متغیر	گویه‌ها	بار عاملی	آلفای کرونباخ
جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان	۱	۰/۵۸۹	مسئولیت‌پذیری فرزندان	وابسته	۱	۰/۷۵۴	۰/۸۲۴
	۲	۰/۵۹۵			۲	۰/۷۵۶	
	۳	۰/۶۶۵			۳	۰/۷۳۶	
	۴	۰/۵۹۵			۴	۰/۷۰۵	
	۵	۰/۵۹۲			۵	۰/۶۲۶	
	۶	۰/۴۷۰			۶	۰/۵۶۹	
	۷	۰/۷۲۱			۷	۰/۷۴۸	
آلفای کرونباخ (۰/۸۹۷)	۸	۰/۶۳۹	منطقی بودن فرزندان	وابسته	۸	۰/۷۰۲	۰/۷۸۷
	۹	۰/۶۷۸			۹	۰/۷۵۴	
	۱۰	۰/۷۱۰			۱۰	۰/۸۱۹	
	۱۱	۰/۷۷۲			۱۱	۰/۸۶۳	
	۱۲	۰/۷۱۱	نقدپذیری فرزندان	وابسته	۱۲	۰/۸۲۸	۰/۷۷۹
	۱۳	۰/۶۹۰			۱۳	۰/۸۱۲	
	۱۴	۰/۵۷۹			۱۴	۰/۷۲۵	
	۱۵	۰/۶۴۰			۱۵	۰/۷۳۹	

جدول ۲ با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، نشان می‌دهد گویه‌ها یا متغیرهای آشکار مربوط به هر مقیاس از بار عاملی قابل قبول، همبستگی و تجانس درونی مناسب برخوردار است؛ یعنی متغیرهایی که برای ساخت و نمایش یک متغیر پنهان به کار رفته است متعلق به هم بوده و انطباق و هم‌نوایی بین سازه نظری و سازه تجربی برقرار است. بنابراین، پرسش‌نامه روایی لازم برای عملیاتی شدن پژوهش را دارد. پایایی پرسش‌نامه نیز به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضرایب از آستانه ۰/۷۰ بالاتر بود که نشان دهنده پایایی مناسب پرسش‌نامه است.

۴. یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۴ انجام شد. از تحلیل عامل تأییدی به منظور کشف ساختار سازه‌های مورد مطالعه استفاده شد. برای محاسبه آمار توصیفی



از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای مورد بررسی شامل میانگین، انحراف معیار و واریانس و نیز شناسایی چولگی و کشیدگی داده‌ها استفاده شد. برای کشف رابطه میان متغیرهای پژوهش از تحلیل همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. برای تعیین میزان تأثیرپذیری متغیر وابسته از متغیرهای مستقل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره با روش مرحله‌ای استفاده شد و به منظور ایجاد ضرایب رگرسیون استاندارد شده (بتا)، تمام متغیرها به حالت استاندارد درآمد.

جدول ۳

شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	دامنه تغییرات	چولگی داده‌ها		کشیدگی داده‌ها	
					میزان	خطای استاندارد	میزان	خطای استاندارد
درآمد خانواده	۲/۶۱۰	۱/۲۹۲	۱/۶۶۸	۴	۰/۵۰۹	۰/۹۳	-۰/۷۸۹	۰/۱۸۵
رضایت‌مندی اقتصادی خانواده	۲/۹۰۰	۱/۰۰۷	۱/۰۱۴	۴	-۰/۱۰۷	۰/۹۱	-۰/۰۱۲	۰/۱۸۱
جامعه‌پذیری شهروندی	۳/۵۹۵	۰/۶۱۹	۰/۳۸۴	۴	-۰/۳۳۸	۰/۹۱	۰/۲۸۴	۰/۱۸۱
مسئولیت‌پذیری فرزندان	۳/۷۲۰	۰/۶۷۵	۰/۴۵۶	۴	-۰/۵۰۱	۰/۹۱	۰/۵۶۸	۰/۱۸۱
منطقی بودن فرزندان	۳/۴۶۱	۰/۷۷۳	۰/۵۹۸	۴	-۰/۲۵۸	۰/۹۱	-۰/۰۵۵	۰/۱۸۱
نقدپذیری فرزندان	۳/۵۱۲	۰/۷۳۳	۰/۵۳۹	۴	-۰/۳۳۸	۰/۹۱	۰/۱۸۳	۰/۱۸۱

باتوجه جدول ۳ میزان چولگی و کشیدگی داده‌ها در بازه ۲ و ۲- است که نشان‌دهنده توزیع نرمال داده‌ها می‌باشد. تحلیل رگرسیون یکی از پرکاربردترین روش‌ها در مطالعات اجتماعی و اقتصادی است که تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی کرده و سهم متغیر مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین می‌نماید. شرط لازم برای ورود متغیرهای پژوهش به تحلیل رگرسیون اثبات معنادار بودن همبستگی آنهاست.

جدول ۴

تحلیل همبستگی متغیرهای پژوهش

۵	۴	۳	۲	۱	
			-	همبستگی پیرسون	درآمد خانواده
				سطح معنا داری	
				تعداد	
		-	۰/۳۹۴	همبستگی پیرسون	رضایت مندی اقتصادی خانواده
			۰/۰۰۰	سطح معنا داری	
			۶۹۳	تعداد	
	-	۰/۲۰۴	-۰/۰۵۸	همبستگی پیرسون	جامعه پذیری شهروندی فرزندان
		۰/۰۰۰	۰/۱۲۷	سطح معنا داری	
		۷۱۰	۶۹۳	تعداد	
	-	۰/۷۸۵	-۰/۱۰۸	همبستگی پیرسون	مسئولیت پذیری فرزندان
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	سطح معنا داری	
	۷۱۵	۷۰۷	۶۹۳	تعداد	
-	۰/۵۸۳	۰/۹۱۰	۰/۲۱۶	همبستگی پیرسون	منطقی بودن فرزندان
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۴	سطح معنا داری	
	۷۱۷	۷۲۰	۶۹۳	تعداد	
۰/۷۵۸	۰/۵۰۳	۰/۸۷۵	۰/۱۲۳	همبستگی پیرسون	نقدپذیری فرزندان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲۱	سطح معنا داری	
۷۲۶	۷۱۷	۷۲۰	۶۹۳	تعداد	

جدول ۴ نشان می دهد درآمد خانواده با مسئولیت پذیری رابطه دارد و سطح معناداری آن کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، اما با سه متغیر وابسته دیگر رابطه معناداری ندارد. همچنین رضایت مندی اقتصادی خانواده با هر چهار متغیر وابسته رابطه معنادار و قوی تری دارد و سطح معناداری آن کمتر از سطح خطای ۰/۰۱ است.



جدول ۵

نتایج تحلیل رگرسیون رابطه رضایت مندی اقتصادی خانواده با جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان

ANOVA		Model Summary	Coefficients					
.Sig	F	R	P	t	Beta	Std. Error	B	Model
۰/۰۰۰	۳۰/۸۲۳	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۴۶/۵۲۲	-	۰/۰۶۹	۳/۲۱۸	عرض از مبدا
			۰/۰۰۰	۵/۵۵۲	۰/۲۰۴	۰/۰۲۳	۰/۱۲۶	میزان رضایت مندی اقتصادی خانواده

مطابق جدول ۵ رابطه بین رضایت مندی اقتصادی خانواده و جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان، معنی‌دار بوده و ضریب بتای آن ۰/۲۰۴ می‌باشد. نتایج حکایت از رابطه مثبت بین متغیر پیش‌بین و وابسته دارد؛ یعنی با افزایش رضایت مندی اقتصادی خانواده میزان جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان افزایش می‌یابد، اما رابطه درآمد خانواده با جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان در تحلیل همبستگی پیرسون معنادار نبود و وارد تحلیل رگرسیون نشد.

جدول ۶

نتایج تحلیل رگرسیون رابطه درآمد و رضایت مندی اقتصادی خانواده با مسئولیت‌پذیری فرزندان

ANOVA		Model Summary	Coefficients					
.Sig	F	R	P	t	Beta	Std. Error	B	Model
۰/۰۰۰	۱۵/۴۵۷	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰	۴۶/۸۸۵		۰/۰۷۷	۳/۵۸۸	عرض از مبدا
			۰/۰۰۰	-۴/۰۶۰	-۰/۱۶۲	۰/۰۲۰	-۰/۰۸۳	میزان درآمد خانواده
			۰/۰۰۰	۵/۰۵۸	۰/۲۰۲	۰/۰۲۶	۰/۱۳۰	میزان رضایت مندی اقتصادی خانواده

مطابق جدول ۶ ضرایب بتا بین میزان درآمد خانواده و جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان ۰/۱۶۲- و بین میزان رضایت مندی اقتصادی خانواده و مسئولیت‌پذیری فرزندان ۰/۲۰۲ می‌باشد و هر دو رابطه معنادار است. براین اساس، مسئولیت‌پذیری فرزندان با درآمد خانواده رابطه معکوس و با میزان رضایت مندی اقتصادی خانواده، رابطه مستقیم دارد؛ یعنی با افزایش میزان درآمد خانواده، مسئولیت‌پذیری فرزندان کاهش یافته درحالی‌که با افزایش

رضایت مندی اقتصادی خانواده، میزان مسئولیت پذیری فرزندان افزایش یافته است.

جدول ۷

نتایج تحلیل رگرسیون رابطه رضایت مندی اقتصادی خانواده با منطقی بودن فرزندان

ANOVA		Model Summary	Coefficients					
.Sig	F	R	P	t	Beta	Std. Error	B	Model
۰/۰۰۰	۳۴/۷۸۳	۰/۲۱۶	۰/۰۰۰	۳۴/۰۴۱		۰/۰۸۷	۲/۹۷۴	عرض از مبدا
			۰/۰۰۰	۵/۸۹۸	۰/۲۱۶	۰/۰۲۹	۰/۱۷۰	میزان رضایت مندی اقتصادی خانواده

مطابق جدول ۷ رابطه بین رضایت مندی اقتصادی خانواده و منطقی بودن فرزندان با ضریب بتای ۰/۲۱۶ معنی دار مثبت است؛ یعنی با افزایش رضایت مندی اقتصادی خانواده میزان منطقی بودن فرزندان افزایش یافته است، اما رابطه درآمد خانواده با منطقی بودن فرزندان در تحلیل همبستگی پیرسون معنادار نبود و وارد تحلیل رگرسیون نشد.

جدول ۸

نتایج تحلیل رگرسیون رابطه رضایت مندی اقتصادی خانواده با نقدپذیری فرزندان

ANOVA		Model Summary	Coefficients					
.Sig	F	R	P	t	Beta	Std. Error	B	Model
۰/۰۰۰	۲۱/۹۴۷	۰/۱۷۳	۰/۰۰۰	۳۷/۵۷۷		۰/۰۸۴	۳/۱۴۲	عرض از مبدا
			۰/۰۰۰	۴/۶۸۵	۰/۱۷۳	۰/۰۲۸	۰/۱۲۹	میزان رضایت مندی اقتصادی خانواده

مطابق جدول ۸ رابطه بین رضایت مندی اقتصادی خانواده و نقدپذیری فرزندان با ضریب بتای ۰/۱۷۳ معنی دار مثبت بوده است؛ یعنی با افزایش رضایت مندی اقتصادی خانواده میزان نقدپذیری فرزندان افزایش یافته است؛ اما رابطه درآمد خانواده با نقدپذیری فرزندان در تحلیل همبستگی پیرسون معنادار نبود و وارد تحلیل رگرسیون نشد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی رابطه میزان درآمد و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده با جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان در خانواده‌های کودکان دبستانی شهر تهران انجام شد. تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیر رضایت‌مندی اقتصادی و همه متغیرهای وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد و متغیر درآمد خانواده فقط با متغیر مسئولیت‌پذیری فرزندان رابطه معنی‌دار و معکوس دارد. بنابراین، رابطه متغیر درآمد با سه متغیر وابسته دیگر معنی‌دار نبود و امکان ورود به رگرسیون را نداشت. نتایج رگرسیون نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار معکوس بین درآمد خانواده و مسئولیت‌پذیری فرزندان بود؛ یعنی با افزایش درآمد خانواده مسئولیت‌پذیری فرزندان کاهش یافته است. براساس نظریه کنش اجتماعی وبر، ساختار فکری و معانی ذهنی کودک، بیشتر در تعامل او با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند شکل می‌گیرد. خودآینه‌سان در نظریه کولی نیز تأیید می‌کند که هویت و رفتار کودک انعکاس تفکر و رفتار خانواده است. حال با توجه به اینکه براساس نظریه‌های وبر و کولی، نوع نگرش والدین به مسائل اجتماعی و تربیتی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و رفتار فرزندان دارد، باید بررسی شود که درآمد بیشتر خانواده چه تأثیری بر افکار و رفتار والدین دارد و یا چه تحولاتی در اندیشه و ذهن آنها ایجاد کرده است که سبب تأثیر منفی درآمد بالا بر مسئولیت‌پذیری فرزندان شده است. در صورتی که والدین بخش بیشتری از درآمد خود را برای مهارت‌آموزی خود، فرزندپروری صحیح و ارتقای مهارت‌های فرزندان هزینه کنند به‌طور معمول نباید چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شد.

هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین رابطه میزان درآمد خانواده با جامعه‌پذیری شهروندی، مسئولیت‌پذیری، منطقی‌بودن و نقدپذیری فرزندان را مورد سنجش قرار نداده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیق دسترنج (۱۳۹۲) که نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار و مستقیم میزان درآمد و جامعه‌پذیری است، ناهمسو می‌باشد؛ چراکه نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده عدم رابطه بین درآمد و جامعه‌پذیری شهروندی فرزندان بود، همچنین متغیر وابسته پژوهش حاضر جامعه‌پذیری شهروندی است، نه جامعه‌پذیری. ساروخانی و نادری (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که بین میزان درآمد زنان سرپرست



خانوار و سازگاری اجتماعی فرزندان‌شان که نوعی جامعه‌پذیری است، ارتباط معناداری وجود ندارد که با نتایج پژوهش حاضر همسوست. بانوسینوا (۲۰۱۴) وجود رابطه مستقیم بین فقر (نبود یا کمبود درآمد) و اختلال در عملکرد خانواده را در جمهوری اسلواکی اثبات نمودند. باتوجه به اینکه هرگاه اختلالی در عملکرد خانواده رخ دهد، جامعه‌پذیری با مشکل مواجه می‌شود، بنابراین می‌توان گفت که فقر یا کاهش درآمد، رابطه معنی‌دار و مثبتی با جامعه‌پذیری دارد. در پژوهش حاضر میزان درآمد بیشتر، رابطه معناداری با جامعه‌پذیری شهروندی نداشت که از این نظر با پژوهش بانوسینورا (۲۰۱۴) ناهم‌سوست. نتایج پژوهش سعادت‌ی و عباسی (۱۳۹۵) نشان داده است که بین درآمد و جامعه‌پذیری دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود دارد که با نتایج پژوهش حاضر ناهم‌سو می‌باشد. همچنین متغیر وابسته در پژوهش ایشان جامعه‌پذیری است، نه جامعه‌پذیری شهروندی.

نتایج رگرسیون در پژوهش حاضر نشان داد که بین متغیر رضایت‌مندی اقتصادی خانواده و متغیرهای وابسته، رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان رضایت‌مندی اقتصادی خانواده، جامعه‌پذیری شهروندی، مسئولیت‌پذیری، منطقی بودن و نقدپذیری فرزندان افزایش می‌یابد. براساس نظریه وبر نیز می‌توان گفت که کنش‌کنشگر رابطه مستقیمی با معانی ذهنی او دارد. بنابراین، هرگاه ذهن‌کنشگر بر اثر نارضایتی از وضع اقتصادی آشفته شود بر فضای کنش تأثیر می‌گذارد. این فضای کنش یأس‌آلود که در مواردی موجب اختلاف، تنش و حتی طلاق می‌شود، اثر مستقیمی بر کاهش فراگیری آموزه‌های شهروندی از جمله مسئولیت‌پذیری، منطقی بودن و نقدپذیری فرزندان دارد. کولی نیز معتقد است که خود و جامعه دو پدیده هم‌زادند و خود در روند اجتماعی‌مبتنی بر مبادله ارتباطی پدید می‌آید و در آگاهی شخص منعکس می‌شود. در این فرایند، نگاه نارضایت‌مندان والدین به شرایط اقتصادی خانواده و تبعات آن می‌تواند باعث ایجاد روحیه ناامیدی شود و کاهش اعتماد به نفس والدین و فرزندان را در پی داشته باشد و فضای تربیت و پرورش فرزندان در شرایط نامطلوب قرار گیرد. درباره رابطه رضایت‌مندی اقتصادی با جامعه‌پذیری شهروندی و مؤلفه‌های آن پژوهشی یافت نشد.

درباره رضایت‌مندی اقتصادی خانواده، دستاوردهای این تحقیق حاکی از آن است





که هرگاه رضایت مندی اقتصادی خانواده به نحو مطلوب تری برقرار باشد، وضعیت جامعه پذیری شهروندی فرزندان که همان تربیت صحیح آنان است در شرایط بهتری قرار می گیرد و آنان مسئولیت پذیرتر، منطقی تر و نقدپذیرتر می شوند. درحقیقت، نتایج پژوهش حاضر شاهد علمی و میدانی آیات و روایاتی است که شاکر بودن، صبور بودن و راضی بودن به رضای پروردگار و آنچه را او عنایت فرموده است، همراه با تلاشگری برای بهبود وضع موجود توصیه می کنند. درباره درآمد خانواده، نتایج نشان داد همانگونه که مبانی اسلامی نیز تأکید دارد بالا بودن درآمد به تنهایی منجر به نتایج مثبت در زندگی انسان نمی شود. چه بسیار انسان هایی که ثروت های کلان داشته اند و چنانچه قرآن در موارد متعددی از آنان یاد نموده است، زندگی و سرانجام خوبی نداشته اند. اینکه با افزایش درآمد خانواده، مسئولیت پذیری فرزندان کاهش یافته است، نشان می دهد که درآمد خانواده در مسیر صحیحی هزینه نشده است.

پیشنهاد می شود تحقیقات آینده بر پژوهش هایی متمرکز شود که جامعه پذیری شهروندی کودکان و نوجوانان بدون اظها نظر والدین در مقاطع سنی مختلف زیر نظر شهرداری ها سنجش شود. همچنین پیشنهاد می گردد که این سنجش ها به طور طولی انجام شود تا تأثیر مهارت آموزی ها و سایر عوامل به منظور اتخاذ تصمیم های مناسب برای مسئولین فرهنگی شهر رصد شود.

برخی از محدودیت های پژوهش حاضر، استفاده از پرسش نامه به روش کمی بود و باتوجه به اینکه امکان تکمیل پرسش نامه ها توسط خود کودکان وجود نداشت از والدین برای تکمیل آنها و سنجش جامعه پذیری شهروندی فرزندان استفاده شد. برای رفع این محدودیت بهتر است پژوهش هایی به روش کیفی و مصاحبه های عمیق از کودکان انجام شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: الهی قمشاهی، مهدی. قم: الهادی.
۱. ابن بابویه، محمد (۱۳۹۶). من لا یحضره الفقیه. تهران: انتشارات اسلامیه.
 ۲. ازکیا، مصطفی، ساروخانی، باقر، و احمدپور، بابک (۱۳۹۷). تبیین جامعه شناختی نقش شبکه های اجتماعی مجازی. نشریه مطالعات رسانه ای، ۱۳(۲)، ۲۱-۳۹.
 ۳. اسکو، صدراله، و علی بابایی، یحیی (۱۳۹۱). بررسی نقش خانواده در مسئولیت پذیری جوانان. نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲(۲)، ۱-۲۷.



۴. پسندیده، عباس (۱۳۹۸). *هنر رضایت از زندگی*. قم: دفتر نشر معارف.
۵. جوانمرد، علی.، کشمیری، سپیده.، و جوانمرد، رقیه (۱۳۹۷). شهروند مسئولیت‌پذیر در توسعه پایدار. *چهارمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار*. مشاهده شده در <https://885228/civilica.com/doc>
۶. حراملی، محمد (۱۳۹۵). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تهران: انتشارات فاروس.
۷. حق‌شناس، علی‌محمد.، سامعی، حسین.، و انتخابی، نرگس (۱۳۹۸). *فرهنگ معاصر هزاره*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۸. خاکپور، حسین (۱۳۹۱). *راهکارهای ارتقاء مدیریت مصرف از دیدگاه قرآن و روایات*. نشریه پژوهش‌های زیان‌شناختی قرآن، (۲)، ۶۱-۷۸.
۹. دسترنج، منصوره (۱۳۹۲). بررسی رابطه ویژگی‌های خانواده با جامعه‌پذیری فرزندان. *نشریه زن و مطالعات خانواده*، (۴)، ۷۹-۹۸.
۱۰. دودمان، پروانه (۱۳۹۷). رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر. *نشریه دانشگاه علوم پزشکی قم*، (۴)، ۵۱-۶۰.
۱۱. ریتزر، جرج (۱۳۹۵). *نظریه جامعه‌شناسی*. مترجم: ناییبی، هوشنگ. تهران: نشر نی.
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
۱۳. ساروخانی، باقر.، و نادری، فاطمه‌زهرا (۱۳۹۶). بررسی وضعیت سازگاری اجتماعی در فرایند جامعه‌پذیری فرزندان در خانواده‌های زن سرپرست. *اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی، علوم انسانی و روان‌شناسی*. مشاهده شده در <https://www.sid.ir/Fa/Seminar/ViewPaper.aspx?ID=91376>
۱۴. ستوده، هدایت‌اله (۱۳۹۹). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آوای نور.
۱۵. سعادت، موسی.، و عباسی، الهام (۱۳۹۵). *جامعه‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن*. دومین کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم اجتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی. مشاهده شده در <https://civilica.com/doc/598722>
۱۶. سلیمانی، ایران.، و رضایور، امیر (۱۳۹۷). *جامعه‌پذیری فرزندان از طریق خانواده*. دومین همایش ملی سبک زندگی و سلامت. مشاهده شده در <https://civilica.com/doc/914170>
۱۷. غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۹۱). نقش شهروندی فعال. *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، (۱)، ۱۳۹-۱۶۲.
۱۸. فتحي، سروش (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی رعایت اخلاق شهروندی در فضای شهری. *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، (۱)، ۱۱۵-۱۴۴.
۱۹. فروند، ژولین (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*. مترجم: نیک‌گهر، عبدالحسین. تهران: انتشارات توتیا.
۲۰. قربانی، علیرضا.، و جمعه‌نیا، سکیه (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، (۷۰)، ۱۱۳-۱۲۸.
۲۱. کفاشی، مجید (۱۳۸۸). روان‌سازی مقیاس سنجش تأثیر اینترنت بر ارزش‌های تربیتی خانواده. *نشریه نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، (۴)، ۱۱۳-۱۳۴.
۲۲. کلینی‌رازی، محمد (۱۳۹۲). *اصول کافی*. مترجم: کمره‌ای، محمدباقر. تهران: انتشارات اسوه.
۲۳. کوزر، لوئیس (۱۳۹۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. مترجم: ثلاثی، محسن. تهران: انتشارات علمی.
۲۴. کوئن، بروس (۱۳۹۹). *مبانی جامعه‌شناسی*. مترجم: توسلی، غلام‌عباس.، و فاضل، رضا. تهران: انتشارات سمت.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۵). *بحارالانوار*. مترجم: بهبودی، محمدباقر. تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. معلوف، لوییس (۱۳۹۵). *المنجد*. مترجم: بندرریگی، محمد. تهران: انتشارات اسلامی.
28. Anderson, J., Askins, K., Cook, I., Desforjes, L., Evans, J., Fuller, D., Griffiths, H., Lambert, D., Lee, R., Mayblin, L., Morgan, J., Payne, B., & Pykett, J. (2008). *geography 's contribution to making citizens ?* 93(1), 34-39.
29. Banovcinova, A. (2014). The impact of poverty on malnutrition In *DNA Reporter. procedia- social and behavioral sciences*, 132, 148- 153. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.04.291>
30. Bellamy, R. (2015). Citizenship, Historical Development of. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences: Second Edition*, 3 February,

- 643-649. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.62078-0>
31. Cooper, K., & Stewart, K. (2021). Does Household Income Affect children's Outcomes? A Systematic Review of the Evidence. *Child Indicators Research*, 14, 981- 1005. <https://doi.org/10.1007/s12187-020-09782-0>
 32. Dementiy, L. I., & Grogoleva, O. Yu. (2016). The Structure of Responsibility of Preschool and Primary School Age Children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, may, 233, 372- 376. <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.10.161>
 33. Ekanem, S. A. (2014). Personal Responsibility and Social Development: Implication for Global Ethics. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 3(4), 479-85. <https://www.riichtmann.org/journal/index.php/ajis/article/view/3355>
 34. Enchikova, E., Neves, T., Beilman, M., Banaji, S., Pavopoulos, V., & Ferreira, P. D. (2021). Active Citizenship - Participatory Patterns of European Youth. *Journal of Social Science Education*, 20(1), 4-29. <https://doi.org/10.4119/jsse-3146>
 35. García, M., & Tegelaars, M. (2019). Sociability. *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*, <https://doi.org/10.1002/9781118568446.eurs0483>
 36. Goren, H., & Yemini, M. (2017). Global citizenship education redefined-A systematic review of empirical studies on global citizenship education. *International Journal of Educational Research*, 82(1), 170-183. <https://doi.org/10.1016/j.ijer.2017.02.004>
 37. Kennedy, K. J. (2019). *Civic and Citizenship Education for the Future in Civic and Citizenship Education in Volatile Times*, https://doi.org/10.1007/978-981-13-6386-3_4
 38. McCormick, M., & Schleifer, M. (2020). Responsibility for Beliefs and Emotions. *Paideusis*, 15(1), 75-85. <https://doi.org/10.7202/1072695ar>
 39. Myers, J. (2019). *Good citizen*. New York: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351006705>
 40. Scruton, R. (2007). The Palgrave Macmillan Dictionary of Political Thought Third Edition. *Macmilian*, 4(22), 17- 19. <https://doi.org/10.1108/09504120810872049>
 41. Such, E., & Walker, R. (2004). Being Responsible and Responsible Beings: Children's Understanding of Responsibility. *Children and Society*, 18(3), 231-42. <http://dx.doi.org/10.1002/chi.795>